

# جنبنده زمین

حبیب معروف

موریانه‌ها و خاکها. تألیف لی [و] وود. ترجمه مهندس عزیزالله نعیم [و] دکتر محمود دامادزاده. سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی، مؤسسه تحقیقات آفات و بیماریهای گیاهی. ۱۳۶۴. ۳۶۰ صفحه.

موریانه همه چیز خانه را می خورد جز غم صاحبخانه  
ضرب المثل فارسی

مهندس عزیزالله نعیم و دکتر محمود دامادزاده پژوهندگان آزمایشگاه بررسی آفات و بیماریهای نباتی اصفهان کتاب موریانه‌ها و خاکها (*Termites and Soils*) تألیف ك. ای. لی [و] ت. ج. وود (K.E. Lee and T.G. Wood) را از آخرین چاپ متن انگلیسی آن به فارسی برگردانده‌اند. گذشته از مسائل و مشکلات بی شماری که درباره موریانه در کشاورزی و خاک شناسی وجود دارد و در این کتاب مورد بررسی همه جانبه قرار گرفته است، به دلیل آلودگی برخی از مناطق مسکونی و ابنیه تاریخی اصفهان، مخصوصاً محله دردشت و درب امام، به موریانه و لزوم مبارزه جدی با این حشره خانمان بر انداز، ترجمه این کتاب به موقع و به درستی انجام گرفته است. امروزه ساختمانهای مسکونی و اداری و تجاری و آثار تاریخی بخشهای وسیعی از کشور مورد تهاجم موریانه قرار گرفته است؛ به عنوان نمونه از گورخانه شیخ احمد زنده پیل در تربت جام در مشرق خراسان، امامزاده درب امام در اصفهان و محلات مسکونی و مناطق کسب و کار حول و حوش آن و همچنین از بخشی از ساختمانهای مسکونی و اداری وزارت نفت و دانشگاه شهید چمران (جندی شاپور) و منازل مسکونی مردم عادی در اهواز و دیگر مناطق خوزستان مخصوصاً دربندر ماهشهر و آغاچاری می توان نام برد.

کتاب موریانه‌ها و خاکها

هدف این کتاب بنا بر گفته مؤلفان در دیباچه آن، ارزیابی نقش موریانه‌ها به عنوان جانوران خاکزی و جمع آوری مشاهدات و اطلاعات تجربی در این مورد و کوشش در تلفیق دانش زیست شناسی و خاک شناسی درباره موریانه‌هاست. مؤلفان

به گردآوری منابع و مآخذ جهانی درباره طرز زندگی، لانه سازی، ارتباط موریانه‌ها با یکدیگر و با محیط اطراف به ویژه خاک پرداخته‌اند. درباره موریانه در زبانهای غربی منابع و مآخذ زیادی وجود دارد. تعداد این منابع و مآخذ بنا بر نوشته مقدمه کتاب تا سال ۱۹۶۵ میلادی بالغ بر ۵۸۰۹ منبع بوده و مؤلفان حدس می زنند که در حال حاضر ممکن است تعداد این منابع به ۸۰۰۰ یا بیشتر برسد.

کتاب شامل ده فصل است: فصل اول: طبقه بندی، زیست شناسی و پراکنندگی جغرافیایی موریانه‌ها؛ فصل دوم: لانه‌ها و تپه‌ها و دالانها؛ فصل سوم: موریانه‌ها، جانوران خاکزی؛ فصل چهارم: جمعیت موریانه‌ها؛ فصل پنجم: اثر موریانه‌ها روی خواص فیزیکی و شیمیایی خاکها؛ فصل ششم: اثر موریانه‌ها در تجزیه ماده آلی و اختلاط آن با خاک؛ فصل هفتم: تغییرات مورفولوژی پروفیل خاک؛ فصل هشتم: اثر موریانه‌ها روی پوشش گیاهی؛ فصل نهم: اهمیت موریانه‌ها در کشاورزی؛ فصل دهم: پاره‌ای از مقایسه‌های اکولوژیک. مترجمان برای تکمیل فایده کتاب دو فصل از کتاب زیست شناسی موریانه‌ها را نیز تحت عنوان «مورفولوژی موریانه» و «مبارزه با موریانه در اماکن مسکونی» به فارسی برگردانده و به کتاب اضافه کرده‌اند و با ترجمه این دو فصل صدچندان به ارزش کتاب افزوده‌اند. برگردان فارسی کتاب به شایستگی انجام گرفته و کتاب کاملاً قابل استفاده است. حق این بود که مترجمان برای تکمیل فایده کتاب، اطلاعاتی هرچند اندک درباره این حشره، از نوشته‌های پژوهشگران و دانشمندان ایرانی در کتابها و نوشته‌های قدیم و جدید فارسی نیز فراهم می آوردند، چرا که بررسیهایی از این دست، از لحاظ تاریخ علم و نحوه اندیشه بشری و سرگذشت فرهنگ و تمدن دارای کمال اهمیت است. نگارنده این مقاله در چند سال گذشته در استان خوزستان در تماس دایم و عملی با مشکل موریانه بوده و در جستجوی راه‌حلهایی برای ریشه کنی گریزاندن این حشره مودی به منابع و مآخذ فارسی در دسترس مراجعه می کرده است و به این ترتیب تدریجاً اطلاعاتی درباره موریانه و روشهای سنتی مبارزه با آن از کتابهای فارسی و عقاید عامه جمع آوری کرده است. این مقاله بر اساس آن آگاهیها نگارش یافته و امید است که مقدمه تحقیقاتی مفصل و جدی در این زمینه باشد.

در اهمیت آفت موریانه

در گزارش مقدماتی «طرح تحقیقاتی بررسی ضایعات حاصله از موریانه بر آثار تاریخی» که در آذرماه سال ۱۳۶۲ به کوشش مشترک سازمان حفاظت آثار باستانی و مجتمع دانشگاهی هنر،

ترنجها و شمشه‌ها و حاشیه‌ها به رنگ و روغن در گنبد خانه آن. متأسفانه موریانه صدمه بسیار شدید به آنها وارد کرده است و به دشواری می‌توان روزگاری آنرا مرمت کرد». ضایعات بقعه سید شمس‌الدین در یزد نشان می‌دهد که ضایعات موریانه تنها به چوب و الوار ساختمان منحصر نمی‌شود بلکه این حشره موزی برای دستیابی به غذا (چوب و کاغذ و فرش و پارچه و غیره) کانالهایی را در بدنه و اندود دیوارها می‌سازد که خود این کار باعث تخریب سفتکاری و روکارهای تزینی از قبیل گچکاری و نقاشی و کاشی می‌گردد. از سوی دیگر انواع و اقسام مواد غیر آلی هم ممکن است از موریانه آسیب ببینند، نمونه آن کابل‌های زیرزمینی برق، علایم راه آهن، مدارهای تلفن و تلگراف می‌باشد که موریانه‌ها به داخل پوشش عایق کابلها راه یافته و باعث نفوذ رطوبت به قسمتهای فلزی آنها می‌شوند. در گزارش «موریانه‌های خوزستان» نگارش مهندس عبدالحسین فتحی‌زاده، کارشناس حفظ نباتات، در مورد نباتاتی که مورد تهاجم موریانه قرار می‌گیرند آمده است که از درختچه‌ها و درختان زینتی: گل سرخ، نخل زینتی، کهور، اکالیپتوس و آکاسیا. از قلمستانها: مرکبات، زردآلو، مو، انار، سیب، زیتون، انجیر و از گیاهان زراعی: گندم، ذرت، گوجه‌فرنگی، پنبه، سیب‌زمینی و همچنین مراتع و چراگاهها در استان خوزستان مورد تهدید این حشره می‌باشد و در سال ۱۳۶۴ در شهر اهواز در حدود ۱۶۰ تن غله انباری از این آفت آسیب دیده و گندمهای موریانه زده به صورت کلوخه در آمد و بسیار بد بو و غیر قابل استفاده گردیده. مقاله «موریانه خرما» نگارش مهندس عبدالرضا قریب در مجله آفات و بیماریهای گیاهی حاکی است که موریانه خرما یکی از آفات مناطق خرماخیز کشور است. این حشره به ریشه، تنه، ساقه، دمپرگها و خوشه‌های درخت خرما آسیب می‌رساند. آفت همچنین در چوبهای نخل که برای پوشش منازل روستایی به کار می‌رود و در مبل و سایر لوازم خانگی دیده می‌شود. در کشور ما موریانه به درختان خرما ضعیف حمله کرده تنه و ساقه آنها را سوراخ می‌کند و سپس راهروهایی در جهت درازا و پهنا ساقه و تنه ساخته و به تدریج توسعه می‌دهد. درازای راهروها به حداکثر حدود ۹۰ سانتیمتر، پهنا آنها به ۲۰ سانتیمتر و عمق سوراخ کانال به ۱۶ الی ۱۷ سانتیمتر می‌رسد. بر اثر تغذیه موریانه‌ها فعالیت شیره نباتی در قسمت بزرگی از تنه و ساقه نخل متوقف می‌گردد و محصول خرما کاهش می‌یابد و درخت بتدریج می‌خشکد. در ایران زیان موریانه به محصول خرما در مناطق خرماخیز ساحلی خلیج فارس بیش از سایر مناطق است و تا حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد می‌رسد. گفتنی است که تیرهای چوبی سیم‌کشی برق و تلفن و تلگراف و تراورسهای چوبی راه آهن در

پردیس اصفهان، تهیه شده آمده است: «بالغ بر هفتاد اثر تاریخی در اصفهان مورد شناسایی گروه قرار گرفته است و اطلاعات آماری برای چهل و یک بنای صفوی، نه بنای قاجاری و شش اثر تیموری، سلجوقی و ایلخانی جمع‌آوری شده است. این هفتاد اثر تاریخی شامل نوزده بنای مقبره، ده دستگاه مسجد، ده دستگاه خانه مسکونی و بقیه شامل ساختمانهایی چون تالار و امامزاده و حمام و غیره بوده‌اند، از این میان بیست و سه بنای تاریخی به موریانه آلوده‌اند که ضایعات سیزده دستگاه از آنها را می‌توان تحت عنوان وسیع و مخرب طبقه‌بندی نمود.»

موریانه‌ها به هنگام جستجوی غذا و لانه‌سازی به مواد مصالح ساختمانی آسیب زیادی می‌زنند. این مواد تنها شامل چوبهای مصرفی در ساختمان، لوازم منزل، تخته و الوار نیست بلکه کاغذ، کتاب، کارتن و مواد سلولزی دیگری را نیز در بر می‌گیرد، تاکنون اسناد و مدارک تاریخی و آثار هنری با ارزش و غیر قابل جبرانی به وسیله موریانه‌ها از بین رفته است. در بین کتابهای خطی اهدایی به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران دهها جلد کتاب به صورت چاپی یا نسخه خطی که موریانه حاشیه و بخشی از آنها را قبل از اهدا به دانشگاه خورده است ملاحظه می‌شود. در پاره‌ای موارد ضایعات حاصله از موریانه در ساختمانهای تاریخی به گونه‌ای عمیق و زیشه‌دار است که گمان می‌رود در آینده نه چندان دوری بسیاری از بناهای تاریخی آلوده به علت پوسیدگی مصالح مصرفی در استخوانبندی آنها مخصوصاً الوار به کار رفته در آنها به یکباره از هم بگسلد و باعث انهدام بنا گردد و در نتیجه باعث انهدام لایه‌های نقاشی، گچبری، آئینه‌کاری و کاشی‌کاری و غیره گردد. به عنوان نمونه: از بناهای تاریخی بسیار مهم و زیبا و پُر یادگار شهر یزد بقعه سید شمس‌الدین در محله چهارمنار است که مورد تهاجم موریانه قرار گرفته است. ایرج افشار در مقاله «یادگارهای بقعه سید شمس‌الدین در شهر یزد» (هنر و مردم، دوره جدید، شماره ۹۴) می‌گوید: «بانی این بقعه سید شمس‌الدین فرزند سیدرکن‌الدین (فوت ۷۳۲) است. سید رکن‌الدین از سادات محترم یزد و بانی مدرسه و دستگاه علمی و نجومی وقت و ساعت در یزد بود. این بنا از حیث تزینات یکی از شاهکارهای هنر معماری یزد است. نقشه آن را سید شمس‌الدین در تیریز طرح می‌کند و به یزد می‌فرستد و خود همین موضوع نکته‌ای است بدیع در تاریخ معماری ایران و حکایت از آن دارد که معماران ایرانی طرح ساختمانها را بر روی کاغذ می‌آوردند و سپس بر روی زمین رنگ می‌ریختند و پی می‌کنند. تزینات باقی مانده این بنا عبارت است: کتیبه گچبری به خط جلی بسیار زیبا در پیش درگاه ورودی، کاشیکاریهای معرق در همین پیش درگاه، طرحها و گل اندازها و رسمهای هندسی،

بخشهای وسیعی از کشور آلوده به موریانه است و از این طریق سالانه مبالغ گزافی به اقتصاد کشور زیان می‌رسد.

### موریانه در کتابهای پیشینیان و عقاید عامه

در تفاسیر قرآن مجید و لغتنامه‌های قرآنی و در قصص انبیاء و تواریخ عمومی، اکثر مفسران و مترجمان فارسی قرآن مجید و مورخان اصطلاح «دابة الارض» را در داستان بسیار زیبا و دل‌انگیز حضرت سلیمان در سوره «سبأ» معادل موریانه گرفته‌اند. در کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری (تألیف ابوالفضل میبیدی) در تفسیر این سوره آمده است: «دیگر اینکه سلیمان به ملك الموت گفته بود چون ترا به قبض روح من فرمایند مرا خبر ده. ملك الموت بوقتی که او را فرمودند آمد و او را خبر داد و گفت نماند از عمر تو مگر يك ساعت، اگر وصیتی می‌کنی یا کاری از بهر مرگ می‌سازی بساز. سلیمان آن ساعت شیاطین را حاضر نمود تا بهر وی طارمی بسازند از آبگینه و آن طارم را هیچ در نبود که در آن توانستی شد و سلیمان اندر آن طارم در نماز شده و ساز مرگ ساخته از غسل و کفن و حنوط و غیره آن، بعد از یکسال ترده عصای وی بخورد سلیمان بیفتاد».

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (چاپ نوائی، ص ۴۹) در سرگذشت سلیمان ابن داوود موضوع را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند: «چون [سلیمان] به پنجاه و پنج رسید در گذشت. سلیمان را عصائی از چوب خرنوب بود و بر آن تکیه کرده بماند، یکسال ایستاده بود. و دیوان می‌پنداشتند که سلیمان زنده است. عمارت بیت المقدس تمام کردند. بعد از یکسال خوره چون عصا بخورد، بشکست، سلیمان بیفتاد. دیوان معلوم کردند که سلیمان مرده بود. او را بجزیره دفن کردند».

برخی برابر نهاده‌های دابة الارض در تفاسیر و ترجمه‌های قرآن مجید و تواریخ به این ترتیب است: «ترده» تفسیر کشف الاسرار، «چوب خوره» تفسیر مفردات قرآن، «چوبخوارک» تفسیر نسفی، «چمنده زمین» تفسیر طبری، «درخت سنبه» تفسیر گازر و تفسیر ابوالفتوح رازی، «چوب خوار» تفسیر کمبریج، «چمنده زمین» ترجمه قرآن موزه پارس و تفسیر صفی و اکثر ترجمه‌ها و تفاسیر متأخر، «مورچه چوبخوار» لسان التنزیل و دستورالاحوان، «چمنده» تاریخ بلعمی، «ارضه» حبیب‌السیر، «مورچه زمینی» الدور فی ترجمان، «ارضه» تفسیر المراغی و قصص الانبیاء ابن کثیر.

در زبان فارسی گذشته از وجوه مختلف موریانه به صورتهای «موردانه»، «مورچانه»، «مورچانه» و «مریانه» اصطلاحات مختلفی برای نامیدن این حشره وجود دارد، به‌عنوان نمونه: «اورنگ» در

قزوین، «رَوَنجَك» در گناباد، «رشمیز» در شیراز، «ریمیز» در شوشتر، «تَرْدَك» در یزد، «ترده» در کرمان، «مریانه» در گویش سنگسری، «موریان» در گویش آشتیان، «مورچونه» در شیراز و «مورچومه» در کازرون. با مراجعه اجمالی به لغتنامه دهخدا فهرست الفبایی اسامی گوناگون موریانه برای محققانی که بخواهند درباره این حشره در متون فارسی بررسیهایی انجام بدهند به ترتیب زیر مرتب شده است:

أرضه، اورنگ، بیت، تافشنگ، تردك، ترده، ترده‌بار، چمنده زمین، چمنده زمین، چمنده، چوب خوار، چوب خوارك، چوب خواره، چوب خوره، دیوچه، دیوك، رمیز، رشمیز، رَوَنجَك، رَوَنجو، ریمیز، زنو، زمین سنب، گهن، لنيك، لمیز، مریانه، مورچانه، مرجومه، مورچونه، مورچانه، مورچه چوبخوار، مورچه زمینی، مورچه سفید، موردانه، موریانه، ميرك.

در کتابهای مسالك و ممالك و تواریخ کم و بیش در مورد موریانه مطالبی آمده است. در ترجمه فارسی مسالك و ممالك ابواسحق ابراهیم اصطخری (متوفی ۳۴۶ هـ. ق.) در شرح ساختمانهای زرنج، قصبه سیستان، آمده است «بناهای ایشان همه از گل بود به حکم آن که چوب را خوره افتد» (چاپ افشار، ص ۱۹۳)

برای گریزاندن و ریشه کنی این حشره در دایرة المعارف گونه‌های فارسی راه‌حلهایی آمده است. از آن جمله است در نزهت نامه علانی (تألیف اواخر سده پنجم): «از هدهد بوی ناخوش و گند همی آید هر کجا هدهد باشد زمین سنب که به تازی أرضه خوانند نباشد و بنماند». در ذخیره خوارزمشاهی (تألیف در ۵۰۴ هـ. ق.): «دیوچه [موریانه] را که جامه موئی را تپاه کند بگیرند و نوشارد و سنب خور سوخته هر سه به سرکه بسایند و طلی کنند». در مخزن الادویه (تألیف ۱۱۸۳ هـ. ق.): «ارضه: بفتح اول و راء مهمله و ضاد معجمه وها در آخر به هندی ديمك نامند، ماهیت آن کرمهایی است بسیار ریزه سفید، سرودهن آنها اندك صلب و تنه آنها نرم و پر از رطوبت لزجی، چوب و درخت و کاغذ و کتاب و لباس و فرش و از این قبیل آنچه را بیابند می‌خورند و هر چه که بخورند اطراف آن گل آلوده می‌باشد و چون خشك شود اندك صلب می‌گردد و شاید تمام لعاب دهن آنها و آنچه را می‌خورند همه گل می‌گردد و با اندك زمانی فاسد و فانی می‌گردانند خصوص کتاب و فرش و لباس را، و ماده تكون آنها ابخره محتقنه محتبسه در جوف بیوت و صندوقها و فروش و یا تحت آنها است و محل تكون آنها آن مواضع و زمینهای نمناك با رطوبتی است که خاک آنها نرم و سخیف باشد و در آن اماکن آنچه می‌روید همه را می‌خورند و فاسد می‌سازند و در ملك بنگاله در اواخر برسات بزرگ و بالیده و بلند به مقدار استه خرما می‌گردند و پر برآورده

پرواز می‌کنند و به اندک زمانی فانی می‌گردند و اهل هند می‌گویند که پادشاهی دارند و جثه آن بسیار بزرگ و بالیده می‌باشد به حجم انگشتی و به طول دو بند آن و به زعم ایشان آن بسیار گرم و مقوی باه است و در زمستان از اماکنی که محل تکون آنها است مانند صحراها و دامنه‌های کوه برآورده می‌خورند بدین نحو که سر آنها را دور نموده تنه آنرا به روغن گاو چرب نموده می‌بلعد و می‌گویند که اگر به زودی نبلعد و یکدو روز بگذارند تمام آن گداخته آب لزجی از آن بر می‌آید و پوست خالی می‌ماند و علامت شناخت آنکه پادشاه آنها در کدام جاست آن است که در صحراها در مواضعی که دهقانان علفهای زراعت را کنده جا به جا جمع می‌نمایند و به رطوبات بارش و شبنم و حرارت تابش آفتاب متبخر گشته و تعفن یافته از آن ارضه تکون می‌یابد. پس اشخاصی که معرفت آن را دارند آن مواضع را کنده بر می‌آورند در بعضی از آنها یک یا دو عدد می‌باشد که گویند چون آن را در روغن سنام بقر حل کنند و بر بواسیر بمالند نافع است و پاشیدن آب مطبوع خرزهره کشنده آن است و دخان پر هدهد و کرکی و گشنیز خشک و فوتینج گریزاننده آن است. در تحفه حکیم مؤمن (تألیف ۱۱۸۵ ه.ق.): «پاشیدن آب مطبوع خرزهره در کشتن کیک و ساس و ارضه از مجرباب است».

در عقاید عامه هم برای مبارزه با این آفت و گریزاندن آن راه حل‌های مختلفی وجود دارد:

در گزارش سازمان حفاظت آثار باستانی آمده است: «در پرس و جو از این و آن شنیده شد که وجود کبوتر در خانه‌ها باعث فرار موربانه می‌شود. یک نمونه آن در یکی از خانه‌های موربانه زده اصفهان ملاحظه شده است که صاحبان خانه معتقد بوده‌اند که از زمان لانه کردن کبوتران در این خانه آلوده به موربانه، دیری نپایید که این حشره فعالیت خود را به طور محسوس کاست». با توجه به این نقل قول و با توجه به اشاره نزهت نامه علائی در مورد اینکه در هر خانه‌ای هدهد باشد ارضه در آن خانه نباشد و با در نظر گرفتن اشاره مخزن الادویه به رابطه خصمانه کلنگ با موربانه، با زیست‌شناسان است که بررسی کنند که آیا پرنده‌ای با نام علمی *Bradyptes Choloepus* که منسابع علمی غربیان آنرا یکی از دشمنان موربانه می‌داند با کبوتر و هدهد و کلنگ ما تطبیق می‌کند یا نه؟ بجاست گفته شود که پیشینیان متوجه رابطه خصمانه بعضی از پرندگان با برخی از حشرات بوده‌اند از آن جمله است رابطه ساربا ملخ (رک. نزهت القلوب).

موربانه نسبت به بوهای تند و تیز حساس و از آنها گریزان است. در بعضی از مناطق استان فارس با سوزاندن سیر، در آبادان با سوزاندن لقلل سبز، در اصفهان با دود میوه درخت کاج، در آذربایجان با دود توتون و در شمال ایران با دود اسپند و کندر و در

دیگر نقاط با دود گوگرد موربانه را فراری می‌دهند. همچنین برای گریزاندن موربانه، ائانه و در و پنجره چوبی را با روغنهای بد بو مانند روغن کرچک و بزرک و قطران و نفت چراغ آغشته می‌کنند. سینه به سینه از استادان نقل شده است که چوبهای گنبد سلطانیه را قبل از نصب کردن برای اینکه ضد موربانه شود مدتی در آب شور دریاچه ارومیه نگهداری کرده‌اند. همچنین بنا به قول استاد محمد کریم پیرنیا چون کاه کاهگل را موربانه می‌خورد در یزد به جای آن از ژاژ (خارشتر) دست آس شده در کاهگل استفاده می‌کنند. گفتنی است که در میان حشرات مور و مورچه دشمن موربانه است.

## تمدن موربانه‌ها

بر مبنای مطالب کتاب موربانه‌ها و خاکها مختصری در مورد تمدن موربانه‌ها می‌آوریم: موربانه‌ها حشراتی اجتماعی‌اند که در لانه‌های خود در تاریکی مطلق زندگی می‌کنند. نظم جامعه بر اساس رفتار تنظیم شده افراد و تقسیم کار در بین گروه‌های مختلف درون کلنی پایه‌گذاری شده است. افراد تشکیل دهنده جامعه موربانه‌ها از چندین گروه (کاست) که از نظر شکل ظاهری و وظیفه متمایزند تشکیل شده‌اند. اعجاب‌آور اینکه نوزادان بر حسب نیاز جامعه به شکل هر طبقه‌ای در می‌آیند. مسیر این تغییر قبل از اولین پوست اندازی مشخص می‌شود و به نظر می‌رسد به ترشحات افراد طبقات مولد و سر باز بستگی دارد. با وجود این حدسیات مسئله هنوز کاملاً درک نشده است، توازن در نسبت طبقات مختلف به وسیله هموع خواری انتخابی سر بازها یا مولدها روی بخشی از کارگرها کنترل می‌شود. طبقات مولد شامل نرها و ماده‌ها است و آنها در زمانهای معینی از سال لانه را ترک کرده برای جفت‌گیری و بنیان‌گذاری کلنی جدید اقدام می‌کنند. مهمترین طبقات عقیم کارگرها و سر بازها می‌باشند که بی‌بال بوده و در آنها رشد اندامهای جنسی متوقف شده یا از بین رفته است. کارگرها پر جمعیت‌ترین طبقه در جامعه موربانه‌ها می‌باشند. کارگرها عهده‌دار کلیه فعالیت‌های مربوط به تأمین غذا و مراقبت از تخمها، لاروها و ملکه می‌باشند. سر بازها و ملکه توانایی تغذیه را نداشته و برای غذا خوردن متکی به کارگرها هستند. سر بازها هم مانند کارگران بی‌بال و عقیم می‌باشند. وظیفه سر بازان دفاع از کلنی در حوزه لانه و نیز دفاع از کارگرهایی است که ممکن است در فاصله‌ای از لانه در جستجوی غذا باشند. آرواره آنها برای دفاع بعضی از شکارگرها نظیر پاره‌ای از مورچه‌ها مؤثر است ولی بعضی از گونه‌ها از مواد شیمیایی به عنوان وسیله دفاعی استفاده می‌کنند.